

بررسی ترجمه گفت‌وگوهای قرآنی با تکیه بر تعادل پویا

(بررسی موردی ترجمه خواندنی قرآن علی ملکی)

علی اصغر شهبازی^{۱*}، عبدالعلی آل‌بویه لنگرودی^۲

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

دریافت: ۱۴۰۱/۳/۱۳

پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۲۶

چکیده

عنصر گفت‌وگو از راه‌های اصلی گسترش داستان و تصویر منش‌ها و بازنمود موقعیت‌هاست. در آیات قرآن کریم، گفت‌وگوها، به ویژه در دل قصص قرآنی، جایگاهی برجسته و پربسامد دارد. یکی از شاخصه‌های برجسته این گفتگوها، تبلور الحان متعدد شخصیت‌هاست که بر پایه کیفیت آرایش واژه‌ها، دلالت عناصر بلاغی جمله، الثفات و شگردهای آوایی دیگر شکل یافته و گویای شیوه‌ی گفتاری متمایز هر شخصیت است. احیای این ویژگی در زبان ترجمه، مستلزم توجه به ظرفیت‌های زبان مقصد و همه عناصر سبک‌ساز کلام است تا تنوع الحان و سبک گفتگوی شخصیت‌ها در زبان مقصد بازنمایی شود. در جستار حاضر تلاش گردید با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی و با گزینش شماری از آیات مبتنی بر گفت‌وگوهای قرآنی در ترجمه خواندنی قرآن از علی ملکی، راهکارهای مترجم در انتقال سبک خطاب‌های قرآنی، مورد تحلیل قرار گیرد. نتایج این بررسی بیانگر آن است که مترجم در این ترجمه با راهبردهایی چون توجه به معنای سبکی واژه‌ها، نحوه ترکیب کلمات در جمله، استفاده از افزوده‌های غراب‌زدا، بهره‌گیری از واژه‌ها و تعبیر گفتارمحور، به بازآفرینی سبک گفتگوها، اهتمام داشته است.

واژگان کلیدی: ترجمه خواندنی قرآن، تعادل پویا، گفتگوهای قرآنی، لحن.

۱- مقدمه

۱-۱- بیان مسأله

بی‌گمان، سبک بیان و لحن گفت‌وگو، تصویری از فضای روحی و عاطفی گوینده را به مخاطب منتقل می‌سازد که توجه به آن، درک معنا و مراد گوینده را به نیکی روشن می‌سازد. گفت‌وگوها و ارتباط‌های کلامی قرآن نیز افزون بر پیام‌های دینی و حقایق معرفتی ژرف، از بُعد سبکی و لحن القای پیام، اهمیتی برجسته دارند که توجه به آن در فرآیند ترجمه امری ضروری می‌نماید. گزینش زبان یکدست و عدم اهتمام به چگونگی القای پیام در گفت‌وگوهای قرآنی، از کشش و تأثیر محتوای پیام کاسته و تصویری واضح از فضای تبادل کلامی به مخاطب ارائه نمی‌دهد و در نتیجه موجب گسست ارتباطی شده و از کنش‌پذیری خواننده ترجمه می‌کاهد. این مطلب، حلقه مفقوده بسیاری از ترجمه‌های قرآنی است. عنصر گفت‌وگو به علت کاربرد گسترده آن، به ویژه در قصص قرآنی، عنصری مهم در ترسیم شخصیت، رویدادها و همراهی خواننده با فضای داستانی است؛ چنان‌که هسته اصلی پیکره داستان به شمار آمده و در آفرینش حرکت و زنده جلوه دادن داستان، نقشی به سزا ایفا می‌کند (ر.ک. فضل‌الله، ۱۹۹۶: ۲۳۲؛ خطیب، ۱۹۷۵: ۱۲۳).

حضور پر رنگ گفت‌وگو که قریب به رُبُع آیات قرآن را تشکیل می‌دهد (نزال، ۲۰۰۳: ۲۶)، در جای جای قرآن نمایان است و به دو شکل مونولوگ و هم‌گویی ملاحظه می‌گردد و به تناسب موضوع و مخاطب، دستخوش تغییر می‌شود. با توجه به این گستردگی، بازنمایی موقعیت گوینده و مخاطب، نوع رابطه و فضای تعامل کلامی میان شخصیت‌های مختلف قرآن و بازنمایی سبک متناسب آیات، در فضای ترجمه‌های قرآن، از ضروریات است. تکیه بر عواطف و شواهد عینی به جای استدلال، کوتاهی جملات و تنوع ساختارها، سبک گفتگوها را از دیگر آیات قرآنی متمایز کرده و لزوم توجه به آن را در ترجمه، دو چندان می‌سازد. 'مسأله‌ای که گاه برخی از مترجمان با گرایش به زبان فخیم یا تلقی یکسان از سبک

گفت‌وگوهای قرآنی، به دیریاب کردن پیام این آیات دامن زده و از برقراری تعادل نسبی زبان مبدأ و مقصد بازمانده‌اند.

به اعتقاد نگارندگان این مختصر، تقید به ساختار نحوی آیات و نادیده گرفتن الحان و فرهنگ مقصد، آسیبی است که در اغلب این ترجمه‌ها ملاحظه می‌شود. برخی از این ترجمه‌ها از نظر ساختار واژگانی و نحوی دقیقاً با متن مبدأ همخوانی دارند؛ اما همچنان به سهولت دریافته نمی‌شوند. رفع این نارسایی‌ها و ضرورت مخاطب‌سنجی و مقوله تغییر نثر فارسی امروز، مسائل مهمی است که برخی از قرآن‌پژوهان کنونی را به بازترجمه قرآن سوق داده و رویکردی متفاوت از ترجمه‌های گذشته اتخاذ کرده‌اند. یکی از این برگردان‌ها که در پاسخ به این ضرورت منتشر گشته، ترجمه خواندنی قرآن علی ملکی است. این ترجمه پیام-رسان که در زمره تازه‌ترین ترجمه‌های قرآن به شمار می‌آید با نثری امروزی به هدف بهره-مندی مخاطبان نوجوان و جوان، منتشر گشت. در این ترجمه، مترجم با گذر از توجه صرف به متن، در صدد انتقال پیام‌های آیات با تکیه بر تفاسیر المیزان و تسنیم است تا به مدد ظرفیت‌های زبان فارسی، مخاطب را در درک درست و سریع آیات قرآنی یاری رساند.

یکی از ویژگی‌های مهم این ترجمه، توجه به لحن در گفتگوهاست. ترجمه‌ای که به اذعان مترجم، تلاش داشته هم‌شانه با متن اصلی حرکت کرده و تغییر الحان را در ترجمه آیات مبارک قرآن نمایش دهد تا مخاطبان ترجمه، در مقایسه با دیگر ترجمه‌های معنایی، این دگرگونی را به وضوح ملاحظه کنند. عامل لحن بر پایه ویژگی‌هایی چون: چگونگی تلفیق عناصر جمله، فضای ارتباط، و نیز شگردهای ادبی و آوایی متنوع شکل می‌پذیرد و گویای عواطف درونی و رفتاری فرد خواهد بود. احیای این ویژگی در زبان ترجمه، پیرو توجه به ظرفیت‌های زبانی و همه عناصر سبک‌ساز کلام بوده و حاکی از دقت مترجم به تنوع شخصیت‌هاست و به سخنی دیگر، «پیدا کردن لحن مناسب از وظایف بی‌چون و چرای مترجم است» (امامی، ۱۳۷۲: ۲۷) و مترجمی که به انتقال لحن بی‌اعتنا باشد، در

بررسی ترجمه گفتگوهای قرآنی با تکیه بر تعادل پویا-علی اصغر شهبازی و عبدالعلی آل بویه لنگرودی

برگردان وی همه شخصیت‌ها به یک زبان صحبت خواهند کرد (خزاعی فر، ۱۳۸۹: ۹۷).

نوشتار حاضر در صدد بررسی چگونگی بازتاب الحان در ترجمه خواندنی قرآن علی ملکی است؛ از این رو، با گزینش آیات مبتنی بر گفت‌وگو از داستان‌های قرآن (چون داستان ابراهیم، موسی، یوسف، مریم، خضر و غیره)، تلاش گردید شیوه بازنمایی الحان گفتگوها با تکیه بر مؤلفه‌هایی چون معنای سبکی واژه‌ها و اصطلاحات، احیای فضای گفتگو و ادب گفتار با تکیه بر فرهنگ زبان مقصد بررسی گردد؛ مؤلفه‌هایی که در ایجاد تأثیر و همراهی مخاطب ترجمه مؤثر است. ضمن آن‌که برای ارائه تصویری روشن از عملکرد این مترجم در تحلیل شواهد، به برگردان‌های معاصر دیگر چون ترجمه الهی قمشه‌ای، فولادوند، گرمارودی، مکارم و حداد عادل، اشاره گردید تا با سنجش مقایسه‌ای میان ترجمه‌ها، مختصات ترجمه خواندنی ملکی نمایان‌تر گردد.

۱-۲- سوالات پژوهش

در راستای موردپژوهی مقاله حاضر، می‌کوشیم به پرسش‌های زیر پاسخی مناسب ارائه گردد:

۱- مترجم «ترجمه خواندنی قرآن» برای انتقال عنصر «لحن» و ایجاد تعادل سبکی از چه راهبردهایی بهره گرفته است؟

۲- در فرآیند ایجاد تعادل سبکی ترجمه گفت‌وگوهای قرآنی، عملکرد مترجم چگونه ارزیابی می‌شود؟

۱-۳- پیشینه پژوهش

بررسی ادبی و بلاغی بسیاری از آیات خطاب را به شکلی پراکنده در دل تفاسیر گوناگون قرآنی و آثاری چون البرهان زرکشی (۷۹۴ ق)، الاتقان سیوطی (۹۱۱ ق)، و مانند آن، می‌توان پی‌گرفت. اما از جمله نخستین پژوهش‌هایی که به شکل مستقل، به بررسی و طبقه‌بندی گفتگوهای قرآنی اهتمام داشته، کتاب «الحوار فی القرآن: قواعد، أسالیبه و معطياته»

اثر محمدحسین فضل الله (۱۹۹۶) است که در شش فصل به اصول آیات گفتگو محور و ویژگی آن‌ها پرداخته است. فوز سهیل نّزال، پژوهشگر اردنی (۲۰۰۳) نیز در جستاری مفصّل با عنوان «لغة الحوار في القرآن الكريم: دراسة وظيفية أسلوبية»، در سه فصل، با اشاره به اقسام گفت‌وگو، عناصر سبکی و زیباشناختی این دست از آیات را تحلیل کرده است. جیوسی (۲۰۰۵) در مقاله‌ای با عنوان «أسلوب الحوار في القرآن الكريم خصائصه الإعجازية وأساره النفسية» به شمه‌هایی از لطافت برخی از تبدلات کلامی قرآن می‌پردازد. زینی‌وند و وحید دستجردی (۱۳۹۰) نیز در پژوهشی با عنوان «درآمدی توصیفی-تحلیلی بر شیوه‌های گفت‌وگو در قرآن کریم» به بررسی رویکرد اخلاقی و زبانی آیات مکالمه پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که قرآن کریم در جریان گفت‌وگو، با تأکید بر شاخص‌های اخلاقی در پی کمال معنوی انسان بوده و برای نیل به چنین مقصودی از گونه‌های ترکیبی زبان، چون زبان استدلال، زبان عاطفه، پرسش‌گری و مانند آن، بهره جسته است (زینی‌وند و وحید دستجردی، ۱۳۹۰: ۴۵). هر یک از پژوهش‌های یادشده و نمونه‌های مشابه دیگر، از بُعد محتوایی یا بلاغی، این بخش از آیات را بررسی کرده‌اند؛ اما در حوزه بررسی ترجمه این بخش از آیات، پژوهش‌های انگشت‌شماری ملاحظه می‌شود که مطالعات ذیل از آن جمله است:

شاهسوندی و داودی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «معنای تلویحی گفتاری و نمود آن در ترجمه‌های فارسی و انگلیسی قرآن کریم»، خطاب‌های قرآن را در دو داستان موسی (ع) و یوسف (ع)، بر مبنای الگوی گرایس^۲، مورد بررسی قرار داده‌اند. خانه‌زاد و شاهسوندی (۱۳۹۰) در جستاری با عنوان «تغییر مخاطب در قرآن و رویکرد ترجمه‌های فارسی و انگلیسی» ضمن تبیین جایگاه این پدیده در متن «کلام وحی»، معایب و خطاهای پاره‌ای از ترجمه‌های فارسی و انگلیسی را از این منظر بررسی و راهکارهای لازم را برای رفع آن‌ها ارائه نماید. نتایج حاصل از این بررسی، حاکی از عدم شناخت بایسته مترجمان از مقوله

بررسی ترجمه گفتگوهای قرآنی با تکیه بر تعادل پویا-علی اصغر شهبازی و عبدالعلی آل بویه لنگرودی

تغییر مخاطب و نیز زبان شفاهی قرآن در سطح کلان است. میرحاجی و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله «کاربردشناسی اصل تعادل ترجمه‌ای واژگان در فرایند ترجمه قرآن»، تعادل واژگانی را منوط به برگردان سطوح مختلف معنایی واژه چون ارجاعی، تجربی، تقابلی، ضمنی، همایشی، سبکی و غیره، می‌دانند که به طور عموم مترجمان قرآن به معنای معجمی و اولیه واژه پرداخته و از دیگر طبقات معنایی الفاظ غافل مانده‌اند. قاضی‌زاده و خزاعی فرید (۱۳۹۱) نیز در پژوهشی با عنوان «اهمیت یکدستی سبک در ترجمه با تکیه با نگاهی بر ترجمه غلامعلی حداد عادل از ترجمه قرآن»، معتقدند سبکی را می‌توان یکدست نامید که در آن انتخاب‌های مترجم با توجه به قواعد و هنجارهای نوشته و نانوشته زبان مقصد از نظر فردی که اهل زبان است، قابل قبول به نظر برسد. یل‌شرزه و منصفی (۱۴۰۰) در جستاری با عنوان «ترجمه مخاطب‌محور قرآن خواندنی علی ملکی: رویکردی نو به ترجمه قرآن»، ضمن معرفی ترجمه ملکی، معتقدند غفلت از تعادل کارکردی و نادیده گرفتن مخاطبان ترجمه قرآن که دارای تجربیات زیسته متفاوتی با مخاطبان عرب‌زبان هستند از عوامل سخت‌فهمی ترجمه‌های قرآن است. تعادل لغوی و صوری در عمده ترجمه‌های فارسی قرآن، سبب پیدایش ترجمه‌های نامفهوم از قرآن گشته است (یل‌شرزه و منصفی، ۱۴۰۰: ۱۹۵).

با توجه به این پیشینه، ملاحظه می‌شود که بررسی و خوانش تطبیقی گفتگوهای قرآنی ترجمه خواندنی قرآن علی ملکی، به شکل مستقل در هیچ پژوهشی موردنظر نبوده و نوشتار حاضر نخستین پژوهشی است که ضمن بررسی کیفیت برگردان این بخش از آیات، تلاش دارد به راهبردهای مترجم در انتقال عنصر «لحن» و ایجاد تعادل سبکی اشاره کند.

۲- مبانی نظری پژوهش

۲-۱- ماهیت مفهومی تعادل در مطالعات ترجمه

تبادل،^۲ مفهومی اساسی و البته مناقشه‌آمیز در نظریات ترجمه است. برخی نظریه‌پردازان چون کتفورد ۱۹۶۵، نایدا و تیر ۱۹۶۹، توری ۱۹۸۰، پیم ۱۹۹۵، و کولر ۱۹۹۵، ترجمه را بر حسب روابط تبادل، تعریف می‌کنند، حال آنکه برخی دیگر، مفهوم نظری تبادل را رد کرده و مدعی‌اند که این مسأله یا ربطی به مطالعات ترجمه ندارد و یا به آن آسیب می‌زند (مانند اسنل هورنبی ۱۹۸۸ و گنتزلر ۱۹۹۳). طرفداران نظریه‌های تبادل بنیاد^۳ ترجمه، معمولاً تبادل را رابطه‌ای میان متن مبدأ و متن مقصدی تعریف می‌کنند که اجازه می‌دهد متن مقصد در وهله اول ترجمه متن مبدأ به حساب آید. گفته شده است که روابط تبادل بین بخش‌های متن مبدأ و متن مقصد برقرار می‌شود. نظریه‌پردازانی که معتقدند ترجمه بر پایه نوعی تبادل قرار دارد، عمدتاً به ایجاد نوع‌شناسی^۴ تبادل توجه دارند و بر مرتبه لغت، جمله یا سطح متن، تأکید دارند که گفته می‌شود تبادل در آن مرتبه به دست می‌آید. یا بر نوعی معنای وجه صریح،^۵ وجه ضمنی^۶ و منظورشناختی^۷ تأکید می‌کنند (بیکر و سالدنیا، ۱۳۹۶: ۳۹۴-۳۹۵).

به طور کلی، با واکاوی تئوری‌های ترجمه، می‌توان دو برداشت عام از مفهوم تبادل، متصور بود؛ یکی مفهوم سنتی و دیگری تلقی جدید از آن. در مفهوم سنتی، تبادل، وفاداری به متن اصلی و برقراری رابطه‌ای دقیق و ریاضی‌وار میان ترجمه و متن را می‌رساند؛ در این رویکرد که رویکردی کمی‌گرا دارد تبادل، منوط به وجود لغات و اجزای متناظر در دو زبان است؛ اما در معنای جدید، تبادل امری نسبی است که سوای توجه به روساخت‌های متن، به عوامل دیگر از جمله نقش خواننده، هدف ترجمه در فرهنگ مقصد و قابلیت‌ها و محدودیت‌های فرهنگ مقصد نیز توجه می‌کند (حری، ۱۳۸۵: ۱۲). چنان‌که از این دو دیدگاه در باب تبادل به نظر می‌رسد تبادل در بخش دومی که اشاره گردید در سطحی بالا قرار می‌گیرد و حدود و ثغور آن در مرتبه بافت گسترده‌تری، نظیر مخاطب و فرهنگ در هر دو زبان مبدأ و مقصد تعریف می‌گردد. مثلاً لازم است توجه شود که هدف ارتباطی متن

بررسی ترجمه گفتگوهای قرآنی با تکیه بر تعادل پویا-علی اصغر شهبازی و عبدالعلی آل بویه لنگرودی

مبدأ چیست و متن مقصد به چه منظوری به کار خواهد رفت؟ برای رسیدن به این سطح از تعادل، شاید لازم شود از ترجمه کلمه‌ای چشم‌پوشی شود یا با عبارت توضیحی، متن با صراحت بیشتری همراه گردد. به این ترتیب، «بافت‌های کاربردی با هم تطبیق می‌یابند همانطور که تأثیر ترجمه بر خواننده متن مقصد به تجربه خواننده متن مبدأ نزدیک خواهد شد. رسیدن به تأثیری مشابه و برآوردن توقعات خواننده به معنای رسیدن به تعادل کاربردشناختی یا تعادل پویاست» (هتیم و ماندی، ۱۳۹۳: ۹۰).

با این توضیح، به نظر می‌رسد می‌توان تعادل را در یک محوری افقی تصور کرد که حرکت از ویژگی‌های زبانی به سمت عوامل برون زبانی، و در نظر گرفتن مقوله موقعیت و میزان تأثیر آن بر مخاطبان مقصد، آن را به سوی تعادل سبکی یا پویا نزدیک‌تر می‌سازد.



شکل ۱: اقسام تعادل

نایدا از جمله افرادی بود که به طور عملی در ترجمه کتاب مقدس، به دنبال ایجاد تأثیر مذهبی برابر با متن اصلی بود. به اعتقاد وی هم‌ارز بودن از حوزه زبان فراتر می‌رود و تعادل را بین ویژگی‌های فرازبانی در ترجمه، یعنی موقعیت و بافتار متن مبدأ و متن مقصد و نیز تأثیر آن بر مخاطبان دو جامعه زبانی متفاوت برقرار می‌کند (حقانی، ۱۳۹۸: ۳۷)؛ از همین روست که وی در ترجمه کتاب مقدس برای اسکیموها، به عنوان نمونه در برابر عبارت «برّه خداوند»، عبارت «سگ آبی خداوند» قرار می‌دهد، چرا که در این فرهنگ «برّه» وجود ندارد و ترجمه لفظ به لفظ، کنش و پویایی در مخاطب ایجاد نخواهد کرد (خزاعی‌فر، ۱۳۸۴: ۷۲).

۲-۲- مفهوم تعادل سبکی و تعادل پویا در ترجمه

چنان‌که از بررسی مفهوم تعادل در میان نظریه‌پردازان این حوزه روشن می‌گردد، مقصود از

تبادل، «تشابه» نیست؛ زیرا اساساً امکان برقراری این مسأله در میان هیچ دو زبانی وجود ندارد؛ بلکه مقصود قالب‌هایی است که در خواننده ترجمه همان تأثیری را بر جای می‌گذارد که متن اصلی مؤلف بر جای می‌گذارد؛ به سخن دیگر اگر مؤلف می‌خواست آن را به زبان مقصد بیان کند، این چنین بیان می‌کرد. از این ماهیت تبادل با عناوین متعددی چون تبادل پویا، تبادل کارکردی یا تبادل سبکی یاد می‌گردد.

در توصیف پدیده‌های ترجمه‌ای می‌توان پدیده سبک را اینگونه تعریف کرد: «نوعی کاربرد زبان که نقش‌های ارتباطی یا بلاغی خاصی دارد و در جنبه‌هایی چون آرایش نحوی، انتخاب‌های واژگانی و ویژگی‌های متنی تأثیر می‌گذارد» (پالامبو، ۱۳۹۲: ۱۴۱). به طور کلی، این ویژگی‌های «سبکی» در متن قابل ردیابی و سنجشند؛ اما، این سخن به این معنی نیست که انتقال سبک نویسنده به راحتی امکان‌پذیر باشد؛ مگر اینکه با شرط «نسبیت» برخی از این ویژگی‌ها را در زبانی دیگر «بازآفرینی» کرد. بازآفرینی مستلزم توانایی زبانی و خلاقیت مترجم است. در نتیجه دوگانگی میان سبک نویسنده و سبک مترجم امری واقعی و اجتناب‌ناپذیر می‌گردد (خزاعی‌فر، ۲۰۱۸: ۴). از میان شرایط حاکم بر تبادل واژگانی چون معنای ارجاعی، تجربی، همایشی، تقابلی، ضمنی و مانند آن، «معنای سبکی» شرط عمده-ای در تبادل واژگانی دارد (لطفی‌پور ساعدی، ۱۳۷۱: ۸۲). در مطالعات ترجمه از این مبحث با عنوان «تبادل سبکی» (Stylistic Equivalence) یاد می‌شود. یعنی آن‌که «تبادل نقشی میان متن اصلی و ترجمه به هدف دستیابی به نوعی همانندی بیانی و حفظ نامتغیر معنایی یکسان است. پوپوویچ این نوع تبادل را «بسنده‌گی»، تناظر بیانی و وفاداری به متن اصلی نامیده است. بنابراین تبادل سبکی مستلزم حفظ کردن خصیصه بیانی [عناصر] متن مبدأ و در عین حال حفظ کردن محتوای معنایی اصلی آن تا سر حد امکان است. با این حال، مترجم حتی در موقعیت‌هایی که نمی‌تواند تناظر معنایی مستقیم ایجاد کند، همچنان باید عنصری را از زبان مقصد برگزیند که از لحاظ سبکی با عنصر متن مبدأ معادل باشد

بررسی ترجمه گفتگوهای قرآنی با تکیه بر تعادل پویا-علی اصغر شهبازی و عبدالعلی آل بویه لنگرودی

(شاتلورت و کاوی، ۱۳۸۵: ۲۵۴).

البته نباید از نظر دور داشت که ایجاد ترجمه‌ای برابر متن مقدس قرآن به دلیل اعجاز آن امکان‌پذیر نیست و تلاش مترجم برای انتقال تأثیر متن در حد توان و امکان است و نه تأثیر برابر؛ افزون بر «تأثیر»، مؤلفه‌های دیگری نیز فراروی مترجم وجود دارد که مترجم بر حسب نوع و شیوه ترجمه، آن‌ها را مدّ نظر دارد و همین ملاحظه‌ها ممکن است در افزایش تأثیر ترجمه یا کاهش آن دخیل باشد؛ برای مثال پابندی به روش ترجمه تحت‌اللفظی به شدت در کاهش تأثیر برابر دخالت دارد و به عکس، در روش ترجمه آزاد می‌توان به بالاترین حد تأثیرگذاری ممکن در ترجمه قرآن دست یافت (جواهری، ۱۳۸۹: ۱۷۱).

۳-۲- تعریف لحن^۹ و نقش آن در گفتگوهای قرآنی

مقصود از «لحن»، آهنگ بیان و چگونگی ادای صداست که در کنار دیگر عناصر چون ایما و اشاره، از اصول ارتباطات غیر کلامی^{۱۰} است. ارتباطات غیر کلامی، شامل تمامی پیام‌هایی است که بدون استفاده از واژه و کدهای کلامی از طرف فرستنده به گیرنده پیام منتقل می‌گردد. طرز نشستن، حرکات چهره، لحن و آهنگ صدا، حرکات چشم، و ... همگی نمونه‌هایی از ارتباطات غیر کلامی هستند که بخش حیاتی فرایند ارتباط به شمار می‌آیند (صلیبی، ۱۳۹۰: ۱۰۲). لحن، احساس گوینده را منتقل می‌سازد. میخائیل باختین، نظریه-پرداز روسی، لحن را آهنگ گفتار حاصل دو نوع ارتباط از سوی گوینده تعریف می‌کند: یکی در ارتباط با شنونده به منزله متحد و شاهد و دیگری در ارتباط با هدف گفتار به عنوان شریک سوم شخص و زنده‌ای که آهنگ گفتار، او را تحقیر یا نوازش می‌کند، بدنام می‌کند، یا به او اعتبار می‌بخشد (داد، ۱۳۸۷: ۴۱۳).

عناصری که لحن را می‌سازند شامل طیف وسیعی از اجزاء زبانی و شگردهای ادبی تا اجزاء زبرزنجیری زبان می‌شوند. در قرآن کریم چگونگی آرایش واژه‌ها و تعدد ساختارها،

شیوه‌های گفتاری هر شخصیت را متمایز از دیگری قرار داده و تصویری شفاف از جایگاه «گوینده» و مقام «شنونده پیام» ترسیم می‌کند. بنابراین در خوانش تبادل‌های کلامی قرآن، افزون بر گوینده و متن گفتار، عناصر دیگر چون انگیزه، مخاطب و فضای گفتگو را باید در نظر داشت تا کیفیت القای سخن تبیین گردد.

درست است که در اصل می‌بایست «محتوای پیام» بر «چگونگی ارسال» و «سبک پیام» مقدم باشد؛ اما انتقال احساسات و عواطف در تبدلات کلامی یا هر چیزی که در قالب مفهوم ضمنی و معنای نامرئی جای می‌گیرد، مبتنی بر توجه دقیق به نظام ارتباطی میان متکلم و مخاطب هست. حال این مفاهیم ضمنی می‌تواند خود را در قالب تصریح، یا معادل‌های سبکی و مانند آن، در زبان دوم نمایان کنند. امروزه در رویکرد کاربردشناختی این نظام ارتباطی، مطالعه گشته و تلاش می‌شود به سؤالاتی نظیر چگونه شنوندگان برای فهم منظور گوینده به استنباط‌هایی از کلام وی دست می‌زنند و چگونه بخش بزرگی از ناگفته‌ها (معنای نامرئی) جزء پیام محسوب می‌شوند، پاسخ داده شود (یول، ۱۳۸۷: ۱۱).

قابل توجه است که کیفیت تبادل پیام و ریتم مخاطبات قرآنی، گاه از نگاه مفسران قرآن نیز نهان نمانده است؛ برای نمونه صاحب‌المیزان در تفسیر این آیه شریفه: ﴿قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ إِنَّ لَهُ أَبًا شَيْخًا كَبِيرًا فَخُذْ أَحَدَنَا مَكَانَهُ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ﴾ (یوسف: ۷۸) به کیفیت سخن برادران یوسف و نوع گزینش واژگان آن‌ها اشاره داشته و می‌نویسد: «الفاظ آیه طوری است که ترقیق و استرحام و التماس را می‌رساند، و طوری ادا شده که حس فتوت و احسان عزیز را برانگیزد» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ۳۱۱). در این بخش از سوره یوسف، مناظره و جدل به شکل گفت‌وشنود ادامه داشته و هر یک از دو طرف، برای اثبات دعوی خویش، برهانی می‌آورند تا اینکه برادران ناگزیر و از روی استیصال، کهولت پدر و دل‌نگرانی او را یادآور می‌شوند و با لحنی رقت‌آور خواستار برادر می‌گردند. بزرگداشت مخاطب با کاربرد «یا ایها العزیز» و تأکید بر جایگاه وی و تصویر فرتوتی پدر در ایجاد این لحن مؤثر بوده است. یا

بررسی ترجمه گفتگوهای قرآنی با تکیه بر تعادل پویا-علی اصغر شهبازی و عبدالعلی آل بویه لنگرودی

مفسر پرتویی از قرآن در تفسیر این آیه از سوره بقره: ﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْهَبُوا بَقَرَةً قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُؤًا قَالِ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ﴾ (بقره/ ۶۷)، به لحن زننده مردم بنی اسرائیل و لحن ملایم و تعبیر پر مغز موسی (ع) در برابر آن‌ها اشاره می‌کند و ظرائف گفتار هر یک از صاحبان سخن را تحلیل می‌کند (ر.ک. طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۱: ۱۹۰).

۳- نگاهی به ترجمه خواندنی قرآن علی ملکی

ترجمه خواندنی قرآن، در سبک و ساختاری نو در میان گونه‌های متعدد برگردان کلام وحی، در رمضان سال ۱۳۹۶ به زیور طبع آراسته گشت. این ترجمه‌ی پیام‌رسان که در زمره تازه-ترین ترجمه‌های قرآن به شمار می‌آید با نثری شیوا و امروزی به هدف بهره‌مندی مخاطبان نوجوان و جوان، منتشر گشت. در این ترجمه، مترجم با گذر از توجه صرف به متن، در صدد انتقال پیام‌های آیات با تکیه بر تفاسیر المیزان و تسنیم است تا به مدد ظرفیت‌های زبان فارسی، مخاطب را در درک درست و سریع آیات قرآنی یاری رساند. مترجم دعوت به دوباره‌خوانی و پیوسته‌خوانی کلام وحی را علت‌گزینش عنوان برگردان خود (ترجمه خواندنی قرآن) بر می‌شمارد و در معرفی این ترجمه می‌نویسد: «جنس این ترجمه تفسیری است و پیام‌رسان. همه دغدغه ما در لحظه به لحظه ترجمه و ویرایش این است که اینجا پیام قرآن چیست؟» (ملکی، ۱۳۹۳: ۱۲۶). وی عدم توجه به مخاطب و انتخاب لحن یکسان در ترجمه‌ها را خلأ اساسی برگردان‌های موجود قرآن برشمرده و می‌نویسد:

خداوند متعال در قرآن گاهی با لحنی علمی - فلسفی سخن می‌گوید و گاهی شیوه روایت‌گرایانه و داستانی در پیش می‌گیرد، گاهی با نوایی پُر مهر بنده‌اش را می‌نوازد و گاهی با عتابی رعب‌آور به دشمنانش تشر می‌زند. گاهی با نجوایی پُر کشش پندهایی را گوشزد می‌کند و گاهی با کنایه‌هایی پُر نیش غافلان را از خواب بیدار می‌سازد... با این همه تنوع لحن، آیا مجازیم که تمام قرآن را یک‌دست و به صورت ادبی و فاخر ترجمه کنیم؟ یا این‌که یکنواخت به سبک خشک و رسمی؟ البته که خیر... (همان، ۱۳۹۷: مقدمه).

۴- بررسی ترجمه گفت‌وگوهای قرآنی با تکیه بر تعادل پویا

سازگاری و انطباق متن مبدأ و مقصد در ترجمه مستلزم تعیین راهکارهایی است که مترجم پیش از فرآیند ترجمه برای خود در نظر می‌گیرد. ایجاد تعادل و انتقال بار ارتباطی گفت‌وگوهای قرآنی، در گرو تعدیل و دگردیسی صورت پیام است تا تنوع صدای شخصیت‌ها هویدا گردد. نکته مهم قابل اشاره در این بخش این است که در ترجمه تبدلات کلامی قرآن، می‌بایست به بافت کلی متن اهتمام ویژه داشت و «کلیت متن» را محور ترجمه قرار داد تا فضای حاکم بر آن‌ها به نیکی درک گردد. در ذیل، چهار راهکار در ترجمه این بخش از آیات در نظر گرفته شده و بر اساس آن شماری از ترجمه آیات از دو ترجمه بررسی و تحلیل می‌گردد تا نمای روشنی از عملکرد مترجمان ارائه گردد.

۴-۱. احیای فضای گفتگو با تکیه بر فرهنگ مقصد

گفت‌وگوی قرآنی، صرفاً به مبادله خبر محدود نمی‌شود، بلکه در بافت ادبی موجود در این تبدلات کلامی، انگیزه‌های معرفتی و اخلاقی خاصی نهان است که در راستای اهداف هدایتی قرآن قرار دارد. شاخصه برجسته این گفتگوها تبلور چندصدایی است که احیای آن در فضای ترجمه، نیازمند توجه به چگونگی خطاب، تفاوت‌های زبانی در برگردان ضمائر و مانند آن است.

در خوانش تبدل‌های کلامی قرآن، افزون بر گوینده و متن گفتار، عناصر دیگر چون ساختار ندا، مخاطب و فضای مخاطبه را باید در نظر داشت تا فضای حاکم بر القای سخن به زبان دوم منتقل گردد. ندا یا فراخواند شخصیت‌ها، یکی از اقسام پرسامد در گفتگوهای قرآنی است (۲۱۸ مورد) (ر.ک. نزال، ۲۰۰۳: ۲۱۸). توجه به این وجوه در تعادل ترجمه‌ای مهم به نظر می‌آید؛ چه آنکه «عبارات خطاب، مکانیسم زبانی مهمی هستند که گویشوران از

بررسی ترجمه گفتگوهای قرآنی با تکیه بر تعادل پویا-علی اصغر شهبازی و عبدالعلی آل بویه لنگرودی

طریق آن نگارش و برداشت خود را در مورد نوع رابطه خود با مخاطب منعکس می کنند» (احمدخانی، ۱۳۹۳: ۲).

از جمله راهبردهای مترجم ترجمه خواندنی قرآن، در بازنمایی فضای گفتگو، اهتمام به گزینش ادوات ندای متناسب با بافت معنایی آیات است تا فضای گفتگوها در ترجمه ها نمایان تر جلوه یابد. این در حالی است که در برگردان های دیگر قرآن، دقتی در این گزینش ها ملاحظه نمی شود. جدول زیر (شماره ۱) به نمونه هایی از این گزینش ها اشاره دارد:

جدول ۱: کیفیت برگردان ندا

ردیف	عبارت قرآنی	نام سوره و آیه	ترجمه ملکی
۱	قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا	مریم: ۲۷	آهای مریم! دست به کار عجیب و غریبی زده ای!
۲	يَا أُخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكَ امْرَأَ سَوْءٍ	مریم: ۲۸	آهای خانم محترم! نه پدرت عمران مرد لائالی بوده،
۳	يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ	اعراف: ۲۷	آی آدمها مبادا شیطان شما را گول بزند!
۴	إِنَّهَا الْغَيْرُ إِنَّكُمْ كَسْرَفُونَا	یوسف: ۷۰	آی کاروان، شما دزدید!
۵	قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ	زمر: ۵۳	آی بندگان من که با بی دینی و آلودگی به گناهان به خودتان جفا کرده اید.

در زبان فارسی ندای فرد با نشانه هایی چون «آهای» و «آی» اغلب بار معنایی بی ادبانه به همراه داشته و برای هشدار به کار می رود (انوری، ۱۳۸۲، ج ۱: ۱۸۶) که گزینش آن همسو با سیاق عبارت های قرآنی و برای هشدار بوده است. برای توضیح بیشتر این مطلب، فضای تعامل کلامی و برخورد تند قوم مریم (ع) با وی و همچنین رفتار نادرست کفار در برخورد با پیامبر (ص) را در آیات زیر مورد بررسی قرار می دهیم:

نمونه اول: «فَأَنذَرْتُ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا يَا أُخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكَ امْرَأَ سَوْءٍ وَ مَا كَانَتْ أُمُّكَ بَغِيًّا» (مریم/ ۲۷-۲۸) چنانکه ملاحظه می شود در این بخش از آیات، داستان بازگشت مریم با نوزاد به سوی اقوام خود است. هنگامی که خویشان، نوزاد را در آغوش مریم دیدند، دهانشان از تعجب باز ماند، آن ها که سابقه پاکدامنی مریم را داشتند و

آوازه تقوا و کرامت او را شنیده بودند سخت نگران شدند، تا آنجا که بعضی به شك و تردید افتادند، و بعضی دیگر هم که در قضاوت و داوری، عجز بودند زبان به سرزنش او گشودند، و گفتند: حیف از آن سابقه درخشان، با این آلودگی! و صد حیف از آن دودمان پاکی که این گونه بدنام شد. گفتند: «ای مریم! تو مسلماً کار بسیار عجیب و بدی انجام دادی» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۳: ۵۰). ضمیر در «به» و در «تحملة» به فرزندش، «عیسی» (ع) بر می‌گردد. لحن گفتار، طعنه‌آمیز و با نوعی تقبیح و حمله لفظی‌ست؛ چنان که کلمه «فَرِي» نیز، معنای عمل نوظهور، ناشایست و منکر را افاده می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۲۸). حال سبک این تبادل کلامی را در دو ترجمه بررسی می‌کنیم:

ترجمه ملکی: «درحالی که کودکش را بغل گرفته بود، او را پیش قومش آورد، آن‌ها بهت زده گفتند: آهای مریم! دست به کار عجیب و غریبی زده‌ای! آهای خانم محترم! نه پدرت عمران مرد لاابالی بوده و نه حنا زنی بدکاره».

ترجمه گرمارودی: «سپس در حالی که او را در آغوش داشت نزد قوم خویش آوردش گفتند: ای مریم! بی گمان چیز ناپسند شگفتی پیش آورده‌ای؛ ای خواهر هارون! نه پدرت مردی بد و نه مادرت بدکاره بود».

تکرار ندا در این بخش از آیات شریفه، مبالغه در نکوهش مجدد هست. در ترجمه نخست، خطاب مریم (س) با ادات «آهای»، شدت ناراحتی و توبیخ را بهتر نشان می‌دهد؛ چنان‌که تعدیل «أخت هارون» به «خانم محترم» نمایان‌گر لحن سرزنش‌آمیز نزدیکان وی است. این تعدیل واژگانی، راهبرد مترجم در جهت ایجاد تعادل سبکی بوده است؛ چرا که گاه «أخ/أخت» در معنای «مشابه» به کار می‌رود. مفسران در تفسیر «هارون» نیز دیدگاه‌های متعددی دارند؛ اما «آنچه صحیح‌تر به نظر می‌رسد این است که هارون مرد پاك و صالحی بود، آن چنان که در میان بنی اسرائیل ضرب‌المثل شده بود، هر کس را می‌خواستند به پاکی معرفی کنند می‌گفتند: او برادر یا خواهر هارون است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱،

بررسی ترجمه گفتگوهای قرآنی با تکیه بر تعادل پویا-علی اصغر شهبازی و عبدالعلی آل بویه لنگرودی

ج ۱۳: ۵۱).

نمونه دوم: «وَقَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ» (حجر/ ۶): این جمله سخنی است که کفار در ریشخند و استهزای رسول خدا (ص) و کتاب نازل بر او گفته‌اند. فراخواند موصول و بدون ذکر نام و قیود تأکیدی جمله، ترسیم‌گر لحن تمسخرآمیز و بی‌ادبانه گفتار گویندگان است (سید قطب، ۱۴۲۵، ج ۴: ۲۱۲۷). به همین جهت نام ایشان را نیاورده، و به عنوان کسی که ذکر بر او نازل شده خطابش کردند، و نیز اسم خدای نازل کننده را نبردند تا این معنا را برسانند که ما نمی‌دانیم خدا کجا است و از کجا این کتاب را برای تو فرستاده و وثوق و اعتمادی به گفته تو که ادعا می‌کنی خدا این کتاب را نازل کرده نداریم، لذا به صیغه مجهول تعبیر کرده و گفتند: «ای کسی که ذکر بر او نازل شده». علاوه بر این، از «قرآن» هم به «ذکر» تعبیر کردند که همه این‌ها از باب استهزاء و از همه بدتر جمله «إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ» است که تهمت و تکذیب صریح است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ۱۴۱).

ترجمه ملکی: «بت پرست‌ها با تمسخر به پیامبر می‌گفتند: آهای تو که مثلاً قرآن برای تو فرستاده شده، واقعا که دیوانه‌ای».

ترجمه گرمارودی: «و گفتند: ای آنکه بر تو این قرآن را فرو فرستاده‌اند، بی‌گمان تو دیوانه‌ای!».

نکته‌ای که از ترجمه‌ی بالا به نظر می‌رسد انتقال لحن سخره‌آمیز بت پرستان در ترجمه نخست است که با گزینش سبک گفتار محور و ترکیب عناصری چون «آهای»، «مثلاً»، «واقعا» و نیز اشاره به نوع کیفیت سخن در آغاز، است. طرز بیان کفار به خوبی تداعی گشته و نمایان‌گر ویژگی خُلقی آن‌هاست، این در حالی است که در ترجمه دوم سخن به شکل عادی و عاری از هرگونه نشانه‌ای در فضا سازی نوع بیان کفار، برگردان گشته است. بنابراین بازآفرینی لحن گفتارها در انتقال لفظ به لفظ کلمات میسر نیست؛ بلکه حسی است که در سطحی فراتر، و از نحوه ترکیب جملات، در خواننده به وجود می‌آید (خزاعی فر،

۲-۴- رعایت الگوهای ادب در ترجمه شمار و ضمائر

مقصود از رعایت الگوهای ادب در ترجمه، رویکرد مترجم به گزینش اصطلاحات خطاب و ضمائری است که تمایز میان «گوینده» و «مخاطب»، شاخص «موقعیت اجتماعی» و نوع رابطه را در گفتارهای قرآنی نشان می‌دهد. به اعتقاد افول (Auffl) «اصطلاحات خطاب بخش مهم رفتار کلامی را تشکیل می‌دهند که می‌تواند رفتار، هنجارها و عملکرد جامعه را مشخص نماید» (احمدخانی، ۱۳۹۳: ۲-۳). توجه به این بخش در ترجمه، تصویر واقعی از جایگاه گوینده و مقام شنونده در آیات گفت‌وگومحور را برای خواننده قرآن بازنمایی می‌کند. مترجم ترجمه خواندنی قرآن این الگو را به اقتضای موقعیت و شأن افراد در ترجمه مخاطبات قرآن، مراعات کرده و تبادلهای کلامی میان موسی و خضر، یوسف و برادران، ابراهیم و آذر و مانند آن، گویای این مطلب است. در اینجا برای نمونه ترجمه این آیات از سوره قصص و کیفیت گفتگوی میان دختران شعیب و موسی را از نظر می‌گذرانیم:

نمونه اول: ﴿فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا قَلَمًا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَكْثَحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ﴾ (قصص/ ۲۵-۲۸)

ترجمه ملکی: «در همین حال، یکی از آن دختران، درحالی که با حجب و حیا راه می‌رفت، پیش موسی آمد و گفت: «پدرم شما را دعوت کرده تا زحمتهای را برای آب‌دادن به گله ما جبران کند» وقتی موسی پیش پدرشان آمد و سرگذشت خود را برایش تعریف کرد، پیرمرد گفت: «دیگر نترس؛ چون از شرّ ستمکارها نجات پیدا کرده‌ای»؛ یکی از آن دختران به پدرش پیشنهاد داد: «پدرجان، استخدامش کن؛ زیرا بهترین فرد برای این کار کسی است که مانند این آقا، قوی و امین باشد»؛ شعیب این‌طور با موسی مطرح کرد: «می‌خواهم یکی

بررسی ترجمه گفتگوهای قرآنی با تکیه بر تعادل پویا-علی اصغر شهبازی و عبدالعلی آل بویه لنگرودی

از دخترانم را همسر تو کنم».

ترجمه گرمارودی: «آنگاه یکی از آن دو که با شرم گام برمی داشت نزد او آمد، گفت: پدرم تو را فرامی خواند تا مزد آبی را که برای ما (به گوسفندان) دادی به تو پیردازد و چون (موسی) نزد او آمد و داستان (خود) را برای او بازگفت، (شعیب) گفت: مهراس که از گروه ستمکاران رهایی یافتی. یکی از آن دو (دختر) گفت: ای پدر! او را به مزد گیر که بی گمان بهترین کسی که (می توانی) به مزد بگیری، این توانمند درستکار است. (شعیب) گفت: می-خواهم یکی از این دو دخترم را همسر تو کنم».

فضای این داستان، غریبه بودن موسی، لحن رسمی، همراه با شرم گفتار دختران شعیب در برابر جوان ناآشنا را نشان می دهد که پس از هم صحبتی با پدر و تعریف ماجرا، پرده نمایش و در نتیجه زبان گفتگو تغییر می یابد. بازنمایی رفتار زبانی هر شخصیت و سبک گفتار برای ترسیم فضای داستان تا حد بسیاری در ترجمه ضروری است. بی گمان کاربرد ضمیر «شما» و «فعل جمع»، در ترجمه نخست، در انتقال این فضای رسمی و احترام آمیز گفتگوی موسی و دختران نقش آفرین است؛ چرا که گفتار در دیدار نخست و اولیه (جوان غریبه با دختران)، رعایت نهایت شرم و ادب را می طلبد؛ چنان که تغییر ضمائر و اصطلاحات خطاب در گفتگو با پدر (شعیب) دگرگونی سیر داستان و تغییر ماجرا را پس از آشنایی را حکایت می کند. انتخاب «پدر جان» به جای «ای پدر»، در ترجمه نخست، در تعمیق پیام مخاطبه اثر بخش بوده و روایت گر لحن عاطفی آن هاست.

۳-۴- معادل گزینی واژه ها و اصطلاحات

یکی دیگر از راهبردهای تعادل و برابری ترجمه ای در انتقال تبادل کلامی میان شخصیت های متعدد قرآنی، توجه به معانی ضمنی یا عاطفی واژه ها و تعابیر در ترجمه است. مقصود آن که مترجم در برابر معادل ها و ساختارهای متعدد، گونه ای را گزینش کند که گویای سبک زبان مبدأ باشد (صفوی، ۱۳۷۱: ۷۴). از نگاه ناپیدا یک کلمه بسته به بافت اطرافش معنا

می‌یابد و واکنش‌های مختلفی بسته به فرهنگ ایجاد می‌کند؛ برای مثال در عبارت «Don't worry about that, son» کلمه «son» می‌تواند اصطلاحی برای بیان محبت یا در برخی بافت‌ها تداعی بخش ارباب‌منشی باشد (ماندی، ۱۳۹۷: ۸۰).

معنای سبکی یک متن از طریق شناسایی سطوح کاربردی موجود در زبان مربوط شناخته می‌شود. اگر دامنه مفهوم موقعیت زبانی را کمی توسعه بدهیم، ملاحظه می‌کنیم که زبان می‌تواند احساسات شخصی گوینده از قبیل طرز برخورد با مخاطب یا موضوع سخن را نیز منعکس بکند. این نوع معنا به معنای احساسی و سبکی معروف است (لطفی‌پور ساعدی، ۱۳۷۱: ۲۳-۲۴).

در جدول زیر (شماره ۲) با بررسی خطاب‌های قرآنی نمونه‌هایی از معادل‌گزینی دو ترجمه ملکی و گرامرودی را آورده و نوع این گزینش واژگانی را با یکدیگر مقایسه کردیم:

جدول ۲: مقایسه معادل‌های سبکی در ترجمه خطاب‌های قرآنی ملکی و گرامرودی

نوع لحن	گرامرودی	نوع لحن	ملکی	سوره و آیه	عبارت قرآنی	شخصیت‌ها
محبت‌آمیز	پسرکم	محبت‌آمیز	گل پسر	صافات: ۱۰۲	یا بُنّی	ندای ابراهیم (ع) به فرزند
"	پسرکم	دلسوزانه	پسر جان	هود: ۴۲	یا بُنّی	خطاب نوح (ع) به فرزند
عادی	ای پدر	سرزنشانه	عمو جان	مریم: ۴۲-۴۵	یا أَبَت	گفتگوی ابراهیم با آذر
عادی	ای پدر	احترام‌آمیز	پدر جان	یوسف: ۱۰۰؛ ۴	یا أَبَت	خطاب یوسف (ع) به پدر
عادی	ای پسر مادرم	ملتمسانه	برادر جان	طه: ۹۴	یا بَنَ آم	ندای هارون (ع) به موسی
عادی	ای خواهر هارون	شگفتانه	آهای خانم محترم	مریم: ۲۸	یا أُخْت هارون	خطاب قوم به مریم (ع)
عادی	ای قوم من!	پندآمیز	مردم!	بقره: ۵۴	یا قوم	گفتگوی موسی (ع) با قوم
عادی	ای قوم من!	مأنوسانه	هم‌شهری‌ها	هود: ۸۵	یا قوم	خطاب شعیب (ع) به قوم
عادی	ای عزیز (مصر)	فروتنانه	ای بزرگوار	یوسف: ۷۸	یا أَيُّهَا الْعَزِيزُ	خطاب برادران یوسف به وی

چنان‌که در جدول بالا ملاحظه می‌شود گزینش معادل‌های انتخاب شده در ترجمه خواندنی قرآن عمدتاً بر اساس موقعیت‌های کلامی قرآن صورت پذیرفته است تا گویای سبک عبارات باشد. نکته دیگر آن که معادل‌یابی عبارات یکسان نیز بر اساس سیاق عبارات،

بررسی ترجمه گفتگوهای قرآنی با تکیه بر تعادل پویا-علی اصغر شهبازی و عبدالعلی آل بویه لنگرودی

گاه متنوع دیده می شود. این در حالی است که در ترجمه گرمارودی سبک عبارات به طور یکنواخت و یکسان در نظر گرفته شده است.

﴿فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّنَى قَالَ يَا بَنِيَّ إِنِّي آزَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانْظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ﴾ (صافات/ ۱۰۲)

ترجمه ملکی: «وقتی به سنی رسید که می توانست همپای پدر کار کند، ابراهیم به او گفت: «گل پسر، دائم در خواب می بینم که دارم قربانیت می کنم! نظر تو چیست؟» گفت: «پدر جان، هر کاری را که دستور می گیرید، انجام دهید». لحن گفتگوی ابراهیم (ع) با فرزند گویای کشمکش عاطفی وی در این آیه شریفه هست؛ فرزندى که حدود يك قرن در انتظارش بوده و با دعا و تضرع او را از خداوند گرفته است، اکنون که رشد کرده و بازویی برای پدر پیرش شده است باید با دست خودش او را ذبح کند. پاسخ اسماعیل يك نحوه دلجویی است، می خواهد به پدر بگوید: من از اینکه قربانی ام کنی به هیچ وجه اظهار ترس نمی کنم و در پاسخ چیزی نگفت که باعث ناراحتی پدر شود و از دیدن آن جسد به خون آغشته فرزندش به هیجان درآید، بلکه سخنی گفت که اندوهش پس از دیدن آن منظره کاسته شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۲۳۱).

﴿قَالَ يَا ابْنَ أُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَءِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي﴾ (طه/ ۹۴)

ترجمه ملکی: هارون گفت: «برادر جان، ریش مرا چرا چسبیده ای؟ آخر، ترسیدم که اگر شدت عمل به خرج دهم، بعداً بگویی: بین بنی اسرائیل تفرقه انداختی و سفارشم را درباره اصلاح امور رعایت نکردی!»

﴿وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي مِنْ بَعْدِي أَعَجِلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ وَأَلْقَى الْأَكْوَاحَ وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ قَالَ ابْنَ أُمَّ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّوْنِي وَكَادُوا يَقْتُلُونَنِي فَلَا تُشْمِتْ بِيَ الْأَعْدَاءَ وَلَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ (اعراف/ ۱۵۰)

ترجمه ملکی: خدا خبر گوساله پرستی را به موسی رساند. وقتی عصبانی و ناراحت به

میان قومش آمد و آن را به چشم خودش دید، گفت: «بعد از رفتنم به کوه طور، بد جانشین‌هایی برایم بودید! چرا تا پایان قرارِ چهل‌روزه طاقت نیاوردید؟!» موسی لوح‌های تورات را به کناری گذاشت و یقه برادرش را گرفت و او را به طرف خود کشید! هارون گفت: «برادر جان، این مردم نادان تحت فشارم گذاشتند و چیزی نمانده بود مرا بکشند! با این رفتار دشمن شادم نکن و مرا در ردیف مخالفان به حساب نیاور!»

در جدال میان رهبران و پیروان:

﴿قَالُوا بَلْ أَنْتُمْ لَا مَرْحَبًا بِكُمْ أَنْتُمْ قَدْ مَتَّمْتُمُوهُ لَنَا فَيَنْسُ الْقَرَارُ﴾ (ص / ۶۰)

ملکی: پیروان می‌گویند: «شما خیر نیینید! این وضعی بود که شما برایمان پیش آوردید و اینجا بد جایگاهی است».

گرمارودی: می‌گویند: «بلکه شما را خوشامد مباد، شما این راه را پیش ما نهادید و آن بد قرارگاهی است».

معادل‌هایی چون «خوشامد مباد»، «مرحبا مباد»، «خوش مباد»، که در اغلب ترجمه‌های فارسی ملاحظه می‌شود، ترجمه معنایی و نه سبکی این واژه به شمار می‌آید و این تعبیر «لا مرحبا بکم» نفرتی است از رؤسا به پیروانشان که به وسعت و گشایشی دست نیابند، زیرا آنها آتش را اختیار کرده‌اند. پیروانشان در جواب گفتند: این شما هستید که شایسته است جای شما وسعت نداشته باشد، زیرا شما بودید که ما را به راهی بردید که امروز آتش بر ما واجب شد.

﴿يَوْمَ يَرَوْنَ الْمَلَائِكَةَ لَا بُشْرَى يَوْمَئِذٍ لِلْمُجْرِمِينَ يَقُولُونَ حَجَرًا مَحْجُورًا﴾ (فرقان / ۲۲)

این آیه شریفه گفتگوی فرشتگان و مجرمان در روز قیامت را مجسم می‌سازد. در تعیین «گوینده» و «مخاطب» این بخش از آیه «يقولون حَجَرًا مَحْجُورًا»، دیدگاه‌های تفسیری متفاوتی وجود دارد؛ برخی از مفسران، مجرمان و برخی دیگر، فرشتگان را قائل این عبارت پنداشته‌اند (ر.ک. طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷: ۲۶۱). به تبع تفاسیر متنوع، عملکرد مترجمان نیز

بررسی ترجمه گفتگوهای قرآنی با تکیه بر تعادل پویا-علی اصغر شهبازی و عبدالعلی آل بویه لنگرودی

همسان نیست و برگردان‌های مختلفی از آن‌ها ملاحظه می‌شود. صاحب‌المیزان ضمن اشاره به هر یک از وجوه معانی این عبارت، «مجرمان» را به سیاق آیات نزدیک‌تر می‌داند: «فاعل» «یقولون» همان مشرکینند یعنی مشرکین آن روز به ملائکه‌ای که قصد عذاب ایشان را دارند «حِجْرًا مَّحْجُورًا» می‌گویند، و مقصودشان این است که ما را پناه دهید. بعضی از مفسرین گفته‌اند: ضمیر جمع به ملائکه بر می‌گردد، و معنایش این است که ملائکه به مشرکین می‌گویند: حرام است بر شما شنیدن بشارت یا پس امروز برای شما هیچ پناهی نیست؛ ولی معنای اول به سیاق آیات نزدیک‌تر است» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۲۷۶). ترجمه ملکی نیز بر اساس همین تفسیر صورت پذیرفته است.

ترجمه ملکی: «وقت مرگ که فرشتگان را ببینند، برای چنین گناهکارهایی اصلاً خبر خوشی در کار نیست. با التماس، به فرشتگان می‌گویند: «رحم کنید به ما!»

ترجمه گرمارودی: روزی که فرشتگان را ببینند آن روز، هیچ مؤدّه‌ای برای گناهکاران نخواهد بود و (فرشتگان به آنان) می‌گویند: (رحمت خداوند) سخت (از شما) دور باد. افزون بر حفظ سازوکارهای ادب‌مندی در ترجمه ضمیر و شمار، رعایت شأن و جایگاه «گوینده» و «مخاطب»، در معادل‌گزینی نیز ضروری است؛ به‌ویژه مواضعی که گوینده آن باری تعالی است. در توضیح این مطلب، گفتگوی میان پروردگار و دوزخیان از سوره مؤمنون را تحلیل می‌کنیم:

دوزخیان در مقام اعتراف و ندامت در روز قیامت می‌گویند: «رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عَذَابْنَا ظَالِمُونَ» (مؤمنون/ ۱۰۷)، در پاسخ به آن‌ها پروردگار متعال می‌فرماید: «اٰخِسُّوْا فِيْهَا وَلَا تُكَلِّمُوْنَ» (مؤمنون/ ۱۰۸)، این سخن را در حالی می‌گویند که گویی از این واقعیت بی‌خبرند که سرای آخرت دار جزاست نه عمل، و بازگشت به دنیا دیگر امکان‌پذیر نیست. به همین دلیل، با قاطعیت تمام به آنها پاسخ داده: «قَالَ اٰخِسُّوْا فِيْهَا وَلَا تُكَلِّمُوْنَ». واژه «خسأ» برای راندن و دور کردن سگ به کار می‌رود و نسبت به انسان، برای ساکت کردن زبونا نه است. صاحب

مفردات در باره این واژه می نویسد: «خَسَأْتُ الْكَلْبَ فَخَسَاءً» سگ را دور کردم پس او نیز دور شد و این مطلب زمانی گفته می شود که به او إخسأ بگویی». (راغب اصفهانی، ۱۳۹۰: ۲۳۹) با دقت در برگردان های مختلف فارسی این آیه مبارک، تنوع در معادل گزینی مترجمان ملاحظه می شود که در جدول زیر آمده است:

جدول ۳: معادل گزینی

واژه قرآنی	معادل منتخب	مترجم	معنای معادل	بار معنایی
اِخْسُوا	دور شوید	ترجمه های کهن (طبری، میبدی، ابوالفتح)، ترجمه های معاصر: فیض الاسلام؛ الهی قمشه ای؛ مکارم، مجتبی	فاصله گرفتن و جدا شدن است و مفهوم مجازي آن پرهیز و اجتناب کردن است (انوری، ۱۳۸۲، ج ۴: ۳۳۹۰).	خنثی - معمولی
	گم شوید	خرمشاهی؛ فولادوند؛ گرمارودی	«گم شدن: دشنام گونه ای که هنگام عدم رضایت از کسی و راندن و دور کردن او به کار برده می شود» (همان، ج ۶: ۶۲۳۸).	توهین آمیز و توییخی
	بتمرگید	خرمدل	«تمرگیدن» سخن توهین آمیز در معنای نشستن است (همان، ج ۳: ۱۸۹۵).	"
	گورتان را گم کنید	ملکی	«گور خود را گم کردن»: سخن توهین آمیز در معنای مجازي رفتن و رفع مزاحمت کردن است (همان، ج ۶: ۶۲۶۹).	"

درست است که کلمه «اِخْسُوا» تعبیری تند و عتاب آلود است؛ اما تعبیر توییخی «گورتان را گم کنید» در ترجمه ملکی، چندان با جایگاه «گوینده» سازگار نیست. یا در نمونه دیگر از سوره مریم، در توصیف نیایش و زمزمه عرفانی زکریا (ع) آمده است: ﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبَّ شَقِيًّا﴾ (مریم/ ۴)، تقدیم منادا در این تبادل کلامی، برای بزرگداشت مخاطب، استرحام و توصیف موقعیت و ضعف خویش است. حذف حرف ندا از رابطه تنگاتنگ بنده و معبود حکایت دارد تا نشان گر اوج

بررسی ترجمه گفتگوهای قرآنی با تکیه بر تعادل پویا-علی اصغر شهبازی و عبدالعلی آل بویه لنگرودی

باور و ایمان زکریا (ع) باشد؛ اما نکته مهم تر در این گفتگو، تکرار ظریف و پر معنای «رب» در پایان آیه است که در القای احساس نیاز و تجسم لحن عاطفی گوینده نقش به سزایی دارد. این بازآوری، شکل دهنده هسته مرکزی دعا و احیای فضای خضوع و حس درونی گوینده در پافشاری و تمنای اجابت است. در تفسیر المیزان درباره این تکرار آمده است: «تکرار کلمه «رب» و قرار دادن آن بین اسم «کان» و خبرش، بلاغتی است که ممکن نیست با هیچ مقیاسی اندازه گیری نمود» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۷). حال آیا می توان این دلالت بلاغی حاصل از خصوصیت سبکی تکرار را با وجود نقش محوری در فضای خطاب، در ترجمه نادیده انگاشت؟ بررسی شماری از ترجمه های معروف و امروزی قرآن (الهی قمشه ای، صفارزاده، مکارم، گرمارودی و حداد عادل) حکایت از وجود نوعی خلأ سبکی در ترجمه نیایش عارفانه زکریا (ع) است.

جدول ۴: مقایسه ترجمه دعای حضرت زکریا (ع)

مترجم	ترجمه آیه
الهی قمشه ای	عرض کرد که پروردگارا، استخوان من سست گشت و فروغ پیری بر سرم بتافت و با وجود این من از دعا به درگاه کرم تو خود را هرگز محروم ندانسته ام.
مکارم شیرازی	پروردگارا! استخوانم سست شده؛ و شعله پیری تمام سرم را فراگرفته؛ و من هرگز در دعای تو، از اجابت محروم نبوده-ام!
حداد عادل	گفت پروردگارا، مرا استخوان سست گشته و آتش پیری در سر شعله کشیده، هرچند هرگز از دعا به درگاه تو محروم نبوده ام.
صفارزاده	[و عرض کرد:] «آفریدگار پروردگارا، در اثر پیری، استخوان های من سست شده و موی سرم سفید گشته و هرگز دعای مرا بی نصیب نفرموده ای
گرمارودی	گفت: «پروردگارا! به راستی استخوانم سست و (موی) سر از پیری سپید شده است و هیچ گاه در خواندن تو رنجور نبوده ام».
ملکی	و گفت: «خدایا، استخوان هایم پوک شده و گرد پیری بر سرم نشسته است تا به حال هم نشده که از دعا به درگاهت، ای خدا، دست خالی برگردم».

۴-۴- تصریح و افزوده‌های گفتارمحور

تصریح اصطلاحی به معنای «آشکار کردن اطلاعات ضمنی متن مبدأ در متن مقصد است. تصریح اطلاعات در متن مقصد حداقل در سه سطح روی می‌دهد: نحو، معنی و کاربرد. گفتمان. تکنیک‌های تصریح عبارتند از: استفاده از کلمات یا عبارات تصریح کننده، به کارگیری ابزارهای انسجام و از بین بردن ابهامات ساختاری. تصریح ممکن است اجباری، اختیاری و کاربردشناختی باشد» (فرحزاد، ۱۳۸۲: ۶۶). وصف حالت و لحن گوینده، زنده کردن فضای مکالمه با نقل مستقیم و گاه غیرمستقیم و با دستکاری در متن گفتار برای مطابقت دادن آن با سیاق کلام، وصف واکنش‌های شرکت کنندگان و شنوندگان، استفاده از سبک‌های زبانی گوناگون به تناسب موقعیت و خصوصیات و تعلق اجتماعی گوینده، نشان دادن موضع و حالت گوینده، چون تأیید و اعتراض و امر و نهی یا درد و دل‌گویی با بهره‌گیری از افعال و قیود و صفت‌های مناسب است.

تعیین طرف‌های گفتگو و تصریح به نام شخصیت‌ها در ترجمه نیز یکی از راهبردهای مترجم در رسایی خطاب‌های قرآنی است. برای نمونه در این آیه شریفه از سوره مریم: ﴿فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْأَمْهِدِ صَبِيًّا﴾ (مریم/ ۲۹)

ترجمه ملکی: «ولی مریم با خاطری آسوده به عیسی اشاره کرد که از خودش بپرسید. آن‌ها با عصبانیت گفتند: «آخر، با بچه‌قنداقی چطور حرف بزنیم؟» عبارت‌های قیدگونه‌ای را که بیانگر توضیحات بیشتری از حالات و احساسات، تمایلات و نگرش‌های ذهن شخصیت است، می‌آورد. این اطلاعات به شکل‌گیری و انتقال تصویر شخصیت در ذهن خواننده کمک می‌رساند.

افزودن برخی از کلیدواژه‌ها متناسب با موقعیت کلامی، گویای توجه مترجم به لحن شخصیت‌هاست. نمونه‌های زیر از آن جمله است:

﴿قَالَ رَبِّ اَنْتَ بِكُنْ لِي غُلَامٌ وَكَانَتْ امْرَاَتِي عَاقِرًا وَ قَدْ بَلَغْتُ مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا﴾ (مریم/ ۸)

بررسی ترجمه گفتگوهای قرآنی با تکیه بر تعادل پویا - علی اصغر شهبازی و عبدالعلی آل بویه لنگرودی

ترجمه ملکی: زکریا با کنجکاوی پرسید: «خدایا، آخر چطور ممکن است پسر دار شوم؟! همسر من که ناز است و خودم هم از شدت پیری، شکسته و افتاده شده‌ام!

﴿قَالَ أَنَّى يُكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا﴾ (مریم/ ۲۰)

ترجمه ملکی: مریم با تعجب پرسید: «آخر، چطور ممکن است پسر دار شوم؟! با اینکه نه مردی با من ازدواج کرده و نه بدکاره بوده‌ام!

﴿وَقَالَتْ أُولَاهُمْ لِأُخْرَاهُمْ فَمَا كَانَ لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ﴾ (اعراف/

۳۹)

ترجمه ملکی: «حال، پیشوایان به پیروانشان می‌گویند: «خون شما که رنگین‌تر از ما نیست تا عذابتان کمتر از ما باشد!» بلکه بجشید عذاب را در نتیجه کارهای زشتی که می‌کردید»

﴿وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقُّ وَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُمُونِي وَلَوْلَا أَنْفُسُكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنتُمْ بِمُصْرِخِي إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (ابراهیم/ ۲۲)

ترجمه ملکی: «وقتی حساب و کتاب قیامت تمام شود، شیطان به هر دو گروه می‌گوید: «خدا به شما وعده‌های راست داد. من هم به شما وعده دادم؛ اما زیرش زدم! زورتان نکرده بودم. فقط دعوتتان کردم به کارهای زشت. شما هم دعوت من را قبول کردید؛ پس خودتان را ملامت کنید، نه مرا؛ اینجا نه من فریادرس شمایم و نه شما فریادرس من. به من چه مربوط که در دنیا، از من حرف شنوی داشتید، نه از خدا! امروز عذابی زجر آور در انتظار بدکارهایی مثل ماست».

۵- نتیجه‌گیری

دستآورد پژوهش حاضر در موارد ذیل خلاصه شده است:

۱. گفت‌وگو یکی از راه‌های اصلی گسترش ماجراها و تصویر منش‌ها و بازنمود موقعیت‌هاست. در آیات قرآن کریم، گفت‌وگو - به ویژه در دل داستان‌ها- جایگاه برجسته و پربسامدی دارد. لازمه فهم بهتر و همراهی با وقایع این داستان‌ها، گزینش زبان متناسب با هر یک از چهره‌های قرآنی و توجه به مختصات سبکی گفتگوهای این اشخاص در ترجمه است.

۲. مسأله تعادل گفتگوها و تنوع الحان، تاکنون در ترجمه‌های فارسی قرآن (ترجمه‌های معنایی و مبدآگرا) مغفول مانده و اغلب در برگردان خطاب‌های قرآنی، به سبب عدم تفکیک لحن گفت‌وگو، گوینده و مخاطب، ریزش معنا ملاحظه می‌شود. اغلب این برگردان‌های قرآنی اگرچه محتوا و مفهوم مخاطبات قرآنی را به خوبی انتقال داده‌اند، اما در حصول به حداقل تعادل سبکی، ناموفق بوده‌اند؛ زیرا رعایت این مسأله با توجه به قدسی بودن متن، و ضرورت وفاداری به متن، بسیار دشوار و گاه غیرممکن به نظر می‌رسد.

۳. در ترجمه‌های تفسیری یا پیام‌رسان که التزام به متن چندان مد نظر نیست، انتقال سبک و لحن گفتگوها تا حدی امکان‌پذیر است تا مخاطب ترجمه فراز و فرود الحان گفت- و شنودهای قرآنی را دریابد و از دل این گفت‌وگوها به رفتار و اندیشه‌های گویندگان آگاهی یابد.

۴. در تبادل کلامی میان شخصیت‌های قرآنی، عواملی چون نوع گزینش واژه‌ها، ساختار نحوی و آوایی آیه، عناصر سبک‌ساز به شمار می‌آیند. انتقال سبک و الحان گفتگو تنها به معادل‌یابی محدود نمی‌شود؛ بلکه نحوه ترکیب عناصر و اجزای کلام در برگردان بسیار مهم است.

۵. در ترجمه این بخش از آیات، انتخاب معادل می‌بایست بر اساس بافت کلی متن صورت پذیرد و کلیت متن، محور ترجمه قرار گیرد تا فضای حاکم بر تبادلهای کلامی به نیکی درک گردد. مترجم ترجمه خواندنی قرآن در طرحی ابتکاری، توجهی خاص به

بررسی ترجمه گفتگوهای قرآنی با تکیه بر تعادل پویا-علی اصغر شهبازی و عبدالعلی آل بویه لنگرودی

حوارهای قرآنی داشته و با تکیه بر راهبردهایی چون توجه به معنای سبکی واژه‌ها، ساختار ترکیبی جمله، استفاده از افزوده‌های غرابت‌زدا، بهره‌گیری از واژه‌ها و تعابیر گفتارمحور، به بازآفرینی سبک گفتگوها و انتقال لحن، پرداخته است.

۶. مترجم ترجمه خواندنی قرآن گاه با استفاده از واژه‌هایی که به قلمرو محاوره و زبان گفتار تعلق دارد، سعی کرده رابطه دوسویه گفتگو را در ترجمه بازسازی کند.

۷. مترجم ترجمه خواندنی قرآن با افزودن شرح در پانویشت سعی در پر کردن خلأهای فرهنگی دارد و خواننده ترجمه را در جریان متن اصلی قرار می‌دهد.

۶- پی‌نوشت

۱. برخی از صاحب‌نظران آیات قرآن را در سه سبک کلی خطابی، ادبی و علمی جای داده‌اند. امتیاز سبک خطابی بر سبک‌های دیگر آن است که معانی در این سبک قوت بیشتری دارند و تصویر آن از مبالغه بیشتری برخوردار است (باقوری نقل در جواهری، ۱۳۸۹: ۲۰۴).

۲. Equivalence
۳. Equivalence-based
4. Typology
5. Denotative
6. Connotative
7. Pragmatic
8. Skopos theory
9. Tone
10. Nonverbal Communication.

منابع

• قرآن کریم

۱. احمدخانی، محمدرضا، «بررسی جامعه‌شناختی عبارات خطاب در فارسی گفتاری محاوره-ای»، زبان‌شناخت، سال پنجم، شماره اول، صص: ۱-۱۸، (۱۳۹۳ش).
۲. امامی، کریم، از پست و بلند ترجمه، تهران: انتشارات نیلوفر، (۱۳۷۲ش).
۳. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: انتشارات سخن، (۱۳۸۲ش).
۴. باقری، محمد مهدی؛ ملکی، علی؛ «معرفی ترجمه خواندنی قرآن (بخش ۲)»، ترجمان وحی، سال ۱۹، شماره ۳۷، صص: ۱۱۳-۱۳۶ش، (۱۳۹۴ش).
۵. بیکر، مونا؛ سالدنیا، گابریلا؛ دایرة المعارف مطالعات ترجمه، ترجمه: حمید کاشانیان، تهران: نشر نو (۱۳۹۶ش).
۶. پالامبو، گیزپه، اصطلاحات کلیدی در مطالعات ترجمه، ترجمه فرزانه فرحزاد و عبدالله کریم-زاده، تهران: قطره، (۱۳۹۲ش).
۷. جواهری، محمدحسن، درسنامه ترجمه: اصول، مبانی و فرآیند ترجمه قرآن کریم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، (۱۳۸۹ش).
۸. خزاعی فر، علی، «نظریه ترجمه، دیروز و امروز»، نامه فرهنگستان، شماره ۴، صص: ۶۹-۷۹، (۱۳۸۴ش).
۹. _____، «سبک نویسنده و سبک مترجم»، فصلنامه مترجم، سال بیست و هفتم، شماره ۶۴، صص: ۳-۱۴، (۲۰۱۸م).
۱۰. _____، ترجمه متون ادبی، تهران: سمت، (۱۳۸۹ش).
۱۱. خطیب، عبدالکریم، القصص القرآنی فی منطق و مفهوم، بیروت: دارالمعرفة، (۱۹۷۵م).
۱۲. داد، سیما، فرهنگ اصطلاحات ادبی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات مروارید، (۱۳۸۷ش).
۱۳. سید قطب، فی ظلال القرآن، بیروت: دارالشروق، (۱۴۲۵ق).
۱۴. شمیسا، سیروس، کلیات سبک‌شناسی، تهران: انتشارات فردوس، (۱۳۷۳ش).
۱۵. صانعی‌پور، محمدحسن، مبانی تحلیل کارگفتی در قرآن کریم، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، (۱۳۹۰ش).
۱۶. صلیبی، ژاسنت، «تحلیلی بر سهم ارتباطات غیرکلامی در کنش اجتماعی»، جامعه‌پژوهی فرهنگی، سال دوم، صص: ۱۰۱-۱۰۹، (۱۳۹۰ش).

بررسی ترجمه گفتگوهای قرآنی با تکیه بر تعادل پویا-علی اصغر شهبازی و عبدالعلی آل بویه لنگرودی

۱۷. طالقانی، محمود، پرتویی از قرآن، تهران: سهامی انتشار، (۱۳۶۲ش).
۱۸. طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم: محمدباقر موسوی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم (دفتر انتشارات اسلامی)، (۱۳۷۴ش).
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، (۱۳۷۲ش).
۲۰. فضل الله، محمدحسین، الحوار فی القرآن: قواعد، أسالیبه ومعطياته، بیروت: دارالملاک، (۱۹۹۶م).
۲۱. لطفی پور ساعدی، کاظم، درآمدی به اصول و روش ترجمه، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، (۱۳۷۱ش).
۲۲. ماندی، جرمی، معرفی مطالعات ترجمه: نظریه ها و کاربردها، ترجمه علی بهرامی و زینب تاجیک، ویراست چهارم، تهران: رهنما، (۱۳۹۷ش).
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، (۱۳۷۱ش).
۲۴. ملکی، علی، «مبانی و ویژگی های ترجمه خواندنی قرآن با نگاه تفسیری و پیام رسان»، ترجمان وحی، سال ۱۸ و ۱۹، شماره ۳۵ تا ۳۸، صص: ۱-۴۲، (۱۳۹۵ش).
۲۵. _____، ترجمه قرآن (ترجمه خواندنی قرآن: ترجمه تفسیری و پیام رسان)، تهران: مؤسسه قرآنی بهار دل، (۱۳۹۵ش).
۲۶. موسوی گرمارودی، علی، ترجمه قرآن، چاپ دوم، تهران: قدیانی، (۱۳۸۴ش).
۲۷. موسوی، شایسته سادات، «سازوکار ترجمه ها در غرابت زدایی از گفتمان نقد و نظریه ادبی با تمرکز بر ارتباط «لحن»، «صدا» و «قدرت»، مجله نقد و نظریه ادبی، سال پنجم، شماره ۹، صص: ۱۶۹-۱۹۴، (۱۳۹۹ش).
۲۸. میرصادقی، جمال، عناصر داستان، چاپ نهم، تهران: سخن، (۱۳۹۴ش).
۲۹. نصیری، حافظ، روش ارزیابی و سنجش کیفی متون ترجمه شده از عربی به فارسی، تهران: سمت، (۱۳۹۰ش).
۳۰. هتیم، بزیل؛ ماندی، جرمی؛ مرجعی پیشرفته برای ترجمه، ترجمه مریم جابر، تهران: سمت، (۱۳۹۳ش).
۳۱. یل شوزه، رضا؛ منصفی، رؤیا؛ «ترجمه مخاطب محور قرآن خواندنی علی ملکی: رویکردی نو به ترجمه قرآن»، مجله مطالعات زبان و ترجمه، شماره چهارم، صص: ۱۸۶-۲۱۲،

دوفصلنامه مطالعات ترجمه قرآن و حدیث _____ دوره ۹، شماره ۱۸، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

(۱۴۰۰ش).

۳۲. یول، جورج، کاربردشناسی زبان، ترجمه محمد عموزاده مهدیرجی و منوچهر توانگر، تهران:

سمت، (۱۳۸۷ش).